



مدیریت بحران همین است که ما گرفتار آنیم

به گفته خواهران دبیر درجنورد

گفت‌وگواز: رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی،
مهدی مروجی

کنید»، «بیشتر بدانیم»، «پاسخ به سؤالات شما»، «دانش تکمیلی» و... این عنوان‌ها تا چه حد به خواسته‌های شما جواب گفته‌اند؟ آیا این عنوان‌ها به یادگیری بهتر مطالب توسط دانش‌آموزان کمک می‌کند یا خیر؟ به هر دلیل، چرا؟

ایزائلو: بسم‌الله الرحمن الرحیم. تغییرات کتاب جدی‌اند. البته قسمت‌هایی مثل «تکمیل کنید» زیاد به چشم نمی‌آیند، زیرا خیلی کم مطرح شده‌اند. اما «پاسخ به سؤالات شما» را که مطالعه کردم، دیدم مفید است. این قسمت در زمره ارزشیابی قرار ندارد و متأسفانه بچه‌ها آن را نمی‌خوانند. به دلیل کمی زمان، بنده به‌عنوان دبیر فرصت ندارم مطالب آن را در کلاس مطرح کنم و میان دانش‌آموزان به بحث بگذارم. در حالی که یکی از بخش‌های مهم کتاب همین قسمت، پاسخ به سؤالات شما است.

قسمت «تدبیر» کتاب هم خیلی خوب است. قسمت «پیشنهادهای کافی نیست و لازم است بیشتر شود. زیرا هنگام دادن نمره تشویقی مربوط، معمولاً پرسش‌ها تکرار می‌شوند. اگر پیشنهادها بیشتر بودند، دانش‌آموزان هم می‌توانستند درباره موضوع‌های بیشتری تحقیق کنند. در حال حاضر معمولاً دانش‌آموزان مطالب مشابهی را به کلاس می‌آورند.

● فعالیت‌هایی که با علامت مشخص شده و مؤلفان مدعی‌اند که این فعالیت‌ها واگرایند، چطور؟

خواهران دبیری که در «نشست نقد کتاب دین و زندگی پایه یازدهم» در بجنورد شرکت کردند، عبارتند از:

۱. **زهرا ایزائلو:** با ۲۳ سال سابقه تدریس، در دبیرستان‌های نمونه و فرزنانگان خدمت می‌کنند.
۲. **نساء بزرگر:** با ۲۳ سال سابقه تدریس، اکنون در دبیرستان‌های کاردانش فعالیت دارد.
۳. **نقیسه براتی:** با ۲۵ سال سابقه تدریس، ابتدا در دوره ابتدایی تدریس می‌کرد. بعد به دبیرستان منتقل شد و اکنون در دبیرستان و هنرستان سر کلاس می‌رود.
۴. **روشنک رمضانیان:** با ۲۷ سال سابقه تدریس در شهرهای مشهد و قوچان، اکنون در بجنورد در هنرستان و مدارس شبانه‌روزی تدریس دارد.
۵. **اکرم نیستانی:** تحصیل کرده جامعه‌الزهرای قم است و با مدرک کارشناسی الهیات دبیر مدارس است.
۶. **عفت بسطامی:** سرگروه دین و زندگی در استان خراسان شمالی.

● بسم‌الله الرحمن الرحیم. مستحضرید که در کتاب دین و زندگی پایه یازدهم تغییرات گرافیکی و محتوایی به عمل آمده است و هر درس شامل عنوان‌هایی است که برخی از آن‌ها در کتاب قبلی نبوده‌اند؛ مانند «تکمیل

ایزائلو: این قسمت هم چندان چشمگیر نیست. **برزگر:** بنده هم با حرف‌های همکارم درباره «تکمیل کنید» موافقم. خوب بود بیشتر می‌شد. «فعالیت‌های واگرا» نیز همین‌طور، در حالی که سال‌های قبل تعداد سؤال‌ها بیشتر بود. به هر حال، به دلیل تأثیر نداشتن در امتحان پایانی، مورد توجه دانش‌آموزان نیست. «بیشتر بدانیم» و «پاسخ به سؤالات شما» خیلی خوب‌اند.

• «خوب» یعنی چه؟

برزگر: زیرا به سؤال‌های بچه‌ها و سؤال‌هایی که در ذهن من هم بودند، جواب می‌دهند. «پیشنهادها» در کتاب سال‌های قبل هم بود. این قسمت که نمره تشویقی دارد، دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند به آن توجه داشته باشند. به‌ویژه کسانی که نمره کم گرفته‌اند، می‌خواهند از این طریق جبران کنند. با نظر همکارم خانم **ایزائلو** موافقم که جواب‌ها مشابه و تکراری می‌شوند. قسمت «دانش تکمیلی» کتاب هم خیلی خوب است.

نیستانی: پیرو صحبت همکاران محترم، باید به چند نکته اشاره کنم. یکی درباره «فعالیت‌های واگرا» است. امیدوارم برداشتم اشتباه نباشد. برای مثال، در صفحه ۱۸۸ کتاب تجربی و صفحه ۲۰۸ همین کتاب نیز آنچه آمده، انواع واگراست، ولی در کتاب، زیر این عنوان نیامده است.

دوم، همکاران محترم درباره «پیشنهادها» اظهارنظر فرمودند. موضوع اجرای نمایش‌نامه در کلاس در این قسمت آمده است که اصلاً در کلاس قابل اجرا نیست؛ چون وقت بسیار کمی داریم. لذا بهتر است این پیشنهاد را حذف کنند.

رمضانیان: بچه‌های ما متأسفانه، کتاب‌های غیردرسی را مطالعه نمی‌کنند یا خیلی کم مطالعه می‌کنند. اگر بشود این موضوع را به قسمت «پیشنهاد» اضافه کنند تا دانش‌آموز کتابی را بخواند و برای این کار نمره کلاسی در نظر بگیرند. البته لازم نیست خلاصه کتاب را بنویسند و به دبیر تحویل بدهند. کفایت می‌کند که خلاصه و عصاره کتاب را برای هم‌کلاسی‌ها گزارش و برداشت و نتیجه‌گیری خود را از محتوای کتاب تشریح کنند. نمره هم فقط برای تشویق است.

اما قسمت «بیشتر بدانیم» خیلی قشنگ و جالب است.

• این قشنگ و جالب بودن، چه کمکی به دانش‌آموزان می‌کند؟

رمضانیان: آگاهی و اطلاعات آن‌ها را افزایش می‌دهد.

• برای افزایش سطح آگاهی دانش‌آموزان چه کار می‌کنید؟

رمضانیان: متأسفانه در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ این درس را برای تدریس نداشتیم، ولی می‌گفتند بیشتر سؤالات امتحان از «بیشتر بدانیم» می‌آید و نه از محتوای درس. **براتی:** بنده خیلی از «پیشنهادها» کتاب استفاده

نمی‌کنم. سعی می‌کنم خودم ابتکار عمل داشته باشم. زیرا فکر می‌کنم، ما دبیران وظیفه داریم با درس و کتاب دینی، روی بچه‌ها اثر بگذاریم. این کار من به نوعی تأیید گفته همکار محترم خانم رضانیان است. البته در جاهایی که تدریس می‌کنم (حاشیه شهر، هنرستان و مدرسه نمونه)، از روش مناسب برای همان‌جا استفاده می‌کنم. مثلاً در زمینه زندگی شهدا کتابی به آن‌ها می‌دهم که بخوانند و بعد در کلاس کتاب را معرفی کنند. یا کتاب مهم «مفاتیح الحیة» آیت‌الله جوادی آملی را در دبیرستان نمونه معرفی کردم، تا هر قسمتی را که دوست دارند، بخوانند و در کلاس مطرح کنند. البته نوبت به همه نمی‌رسد. ولی متفق‌القول بودند که از آنچه خوانده‌اند، لذت ببرند و به‌ویژه از شکل بیان آیت‌الله جوادی آملی تعریف می‌کردند. می‌گفتند فکر چنین روش بیانی را نمی‌کردند. حداقل نتیجه این است که کتاب مفیدی را در خانه نگه می‌دارند. یادآور شوم که خرید کتاب اجباری نیست.

پیشنهاد دیگرم حفظ سوره خاصی است. ولی از پیشنهادها کتاب نتوانسته‌ام زیاد استفاده کنم.

• مؤلفان ۱۰ دقیقه اول هر کلاس را به قرائت قرآن با هدف تحقق انس با کلام خداوند اختصاص داده‌اند. آیا با توجه به زمان، می‌توانید به این توصیه عمل کنید؟ اگر نمی‌توانید، علت آن را با دلیل بفرمایید.

ایزائلو: به خانم بسطامی (سرگروه دینی اداره کل) عرض کردم که اگر مؤلفان کتاب با توجه به قرآن عثمان طه، آیات را در کتاب درسی بیاورند، من که قلم قرآنی دارم (البته در دو مدرسه‌ای که تدریس می‌کنم، قلم قرآنی دارند)، خیلی راحت و سریع می‌توانم آیات را انتخاب کنم. من این کار را می‌کنم، ولی گاهی به دلیل تنگنای زمان نمی‌توانم به این توصیه عمل کرد.

بسطامی: آیات کتاب درسی به خط قرآن عثمان طه، ولی با نگارش جدید است؛ به اصطلاح روش کم علامت است. اما پاسخ بنده به سؤال این است که با توجه به زمان کلاس انجام این کار حداقل به صورت مستمر ممکن نیست.

ایزائلو: صحبت بنده درباره رسم الخط نیست، درباره ترتیب صفحه‌بندی است. من هم فقط در دو جلسه توانستم این کار را بکنم. زیرا اول سال است و هنوز به بخش‌های کتاب درسی ورود نکرده‌ایم. بعد از شروع درس، این کار ممکن نیست. این نکته را هم بگویم که اگر قرار است دانش‌آموزان با قرآن انس بگیرند، استفاده از قلم قرآنی هم زیاد به صلاح نیست.

همگان تأیید می‌کنند که با توجه به وقت کلاس، زمانی برای قرائت نمی‌ماند و این توصیه عملیاتی نمی‌شود.

قسمت «تدبر» کتاب هم خیلی خوب است. قسمت «پیشنهادها» کافی نیست و لازم است بیشتر شود. زیرا هنگام دادن نمره تشویقی مربوط، معمولاً پرسش‌ها تکرار می‌شوند



رمضانیان: سال ۱۳۷۰ که در مشهد تدریس می‌کردم، ساعت قرآن جدا بود. آن وقت دانش‌آموزان بامیل و رغبت بیشتری، به ویژه در قسمت تفسیر و قرائت، وقت می‌گذاشتند. ما در کلاس هم‌خوانی می‌کردیم. حتی دانش‌آموزان ما در مشهد کلاس را اداره می‌کردند و علاقه‌مند بودند که هم‌خوانی کنند.

● آن دوره به «دوره تفکیک» معروف بود که با توجه به آرای معلمان و همکاران محترم، دوره تفکیک به سر آمد و به اصطلاح «دوره تلفیق» تکرار شد. پس طوری نقد کنید که هرگونه تغییر بعدی، سبب انتقاد آیندگان نشود.

نیستانی: دلیل فقط کمبود وقت نیست. کم بودن وقت بازی‌گر در به کثرت تنوع و زیادی حجم درس‌ها، لذا وقتی برای قرائت نمی‌ماند. راه‌حل این است که قسمت‌های دیگر را کم کنند تا فرصت برای قرائت قرآن داشته باشیم. بچه‌ها هم به قرائت قرآن علاقه دارند و متقاضی تکرار آیات می‌شوند، ولی وقت نیست. **براتی:** مشکل ما الان به تفکیک یا صرف تلفیق بازمی‌گردد، بلکه با وجود تلفیق، به زمان تدریس اضافه نشده است. جالب است در رشته تجربی، ساعت دین و زندگی از ۴ ساعت به ۳ ساعت و بعد به ۲ ساعت تقلیل یافته است. گویا دانش‌آموزان رشته تجربی نیازی به دین ندارند.

نیستانی: اینکه می‌گویند در دوره ابتدایی و متوسطه اول بچه‌ها باید قرائت قرآن را یاد بگیرند، گرچه درست است، ولی بنده به‌عنوان معلم درس دینی و قرآن نمی‌توانم بی‌خیال باشم و بگویم پس به من مربوط نیست که دانش‌آموز دبیرستانی نمی‌تواند آیات قرآن را از رو بخواند و وظیفه بنده فقط نمره دادن است. نه! نمی‌شود به این روش صورت مسئله را پاک کرد.

● در کتاب بخشی با عنوان «اندیشه و تحقیق» داریم و اینکه خواسته شده است، تفکر و تدبیر بشود. آیا این بخش‌ها با عنایت به مدیریت شما در کلاس، توانسته‌اند عرصه فکری برای دانش‌آموزان باشند و آنان را به اندیشیدن و تفکر و تدبیر ترغیب کنند؟ اگر خیر، چرا؟

نیستانی: هر سؤالی که با ما در میان می‌گذارید، ما باز به سر خط کمی زمان تدریس باز می‌گردیم. با وجود اینکه عنوان‌ها عالی و جذاب‌اند، ولی فرصت پرداختن به آن‌ها را نداریم. عجیب اینجاست که پیام آیات را داریم و در کنکور هم از پیام آیات سؤال می‌شود، اما چگونه ممکن است ترجمه آیات نباشد، ولی بر پیام آیات تأکید شود؟! تا پارسال ترجمه آیات را داشتیم، ولی در کتاب جدید، ترجمه آیات را حذف کرده‌اند. وقتی دانش‌آموز نمی‌تواند آیه را به فارسی بفهمد، چگونه می‌تواند چیزی از پیام آیه بداند؟!

● ۱۰ دقیقه قرائت که ممکن نیست. تدبیر و تفکر هم با اشکال مواجه است. پس در کلاس چه کاری می‌شود کرد؟
ایزائلو: این‌طور نیست که کاملاً کنار گذاشته شوند، بلکه همه نصفه نیمه انجام می‌شوند.

همگان متفق القول می‌گویند: کارها به صورت رضایت‌بخش و مطلوب انجام نمی‌شوند.

بسطامی: البته یادمان باشد که با توجه به روحیات هر معلم، ممکن است بخش یا بخش‌هایی مورد توجه بیشتری قرار بگیرند.

نیستانی: نمی‌فهمم چرا ترجمه آیات را حذف کرده‌اند. باید ترجمه همراه هر آیه بیاید. **براتی:** با توجه به نگرانی همکاران درباره حذف ترجمه آیات و ارتباط آن با تدبیر و پیام آیات، عرض کنم که خیلی خوب بود اگر همین آیاتی را که در کتاب دینی داریم، در کتاب درس عربی بیاورند. زیرا همین بچه‌ها هستند که این کتاب‌ها را می‌خوانند. اگر این کار انجام شود، نتیجه بهتری خواهد داشت.

● آیا آیات موجود در کتاب، در دانش‌آموزان رغبت و شوق رجوع به قرآن کریم را در خارج از کلاس و درس به‌وجود می‌آورند تا آنان روزانه یک یا چند آیه را بخوانند یا قرآن را مرجعی برای یافتن پاسخ به سؤال‌ها به حساب آورند؟

ایزائلو: متأسفانه زندگی‌های ما چنان صبغه مادی یافته‌اند که بچه‌ها احساس نمی‌کنند باید به قرآن رجوع کنند یا آنان را بخوانند. گاهی می‌گویند بخوانیم که چه بشود؟! شما که قرآن می‌خوانید، چه اتفاقی برایتان افتاده که خوشایند است؟ و منی که نمی‌خوانم، آن اتفاق نمی‌افتد؟ در حقیقت بیشتر جهان‌بینی مادی بر ذهن‌ها سطره دارد تا جهان‌بینی معنوی. با معنویت بیگانه‌اند. فکر می‌کنند، درس دین و زندگی دوی هیچ دردی نیست، مگر در همان حد ضریب ۳ در کنکور! می‌خواهم بگویم، به این دلیل جواب من منفی است و ایجاد رغبت نمی‌کند.

● یعنی از ۳۰ یا ۴۰ نفر دانش‌آموزان یک کلاس همه این‌طوری‌اند؟

ایزائلو: مطلق نیست. به‌منظور ترغیب دانش‌آموزان برای تقویت قرائت قرآن، نمره تشویقی گذاشتم تا بهتر یاد بگیرند. همین‌طور برایشان شرح می‌دهم، نمونه می‌آورم که قرآن چه تأثیری بر من و افراد دیگر داشته است.

نیستانی: واقعیتی که باید پذیرفت، فاصله گرفتن بچه‌ها از کتاب دینی است. این واقعیت را دبیران همکار می‌دانند. شاید برخی بر این واقعیت چشم بسته و

بنده به‌عنوان معلم درس دینی و قرآن نمی‌توانم بی‌خیال باشم و بگویم پس به من مربوط نیست که دانش‌آموز دبیرستانی نمی‌تواند آیات قرآن را از رو بخواند و وظیفه بنده فقط نمره دادن است. نه! نمی‌شود به این روش صورت مسئله را پاک کرد

بی تفاوت‌اند، اما باید بپذیریم که این کتاب برای دانش‌آموزان جاذبه‌ای ندارد.

• چرا برای دانش‌آموزان جاذبه ندارد؟

رمضانیان: زیرا بر خوردهایی را از افراد منسوب به دین در جامعه می‌بینند که نمی‌توانند هضم کنند. در جامعه ما خیلی تناقض وجود دارد؛ از جمله تناقضی که میان مطالب کتاب و رفتارها دیده می‌شود. لذا بچه‌هایی که این کتاب، به‌ویژه سه درس مربوط به مسائل حکومتی را می‌خوانند، مطلب را با آنچه در جامعه وجود دارد، متفاوت می‌بینند و نمی‌توانند این تفاوت را هضم کنند. به‌ویژه دنیای مجازی نیز نقش خاص خود را دارد. به این‌ها باید معضلات خانواده‌ها را نیز اضافه کرد.

بنده اعتراف می‌کنم که در دوره دانش‌آموزی، عاشق این کتاب و عاشق دبیرش بودم و علت مهم انتخاب این مسیر و رشته نیز دبیرم بود. به عقیده بنده، جاذبه این کتاب به جاذبه دبیر کلاس برمی‌گردد. اگر دبیر بخواهد با سختگیری‌ها و تعصب‌های خاص در کلاس با دانش‌آموزان مواجه شود، حتی آن علاقه‌نشستن سر کلاس و شنیدن چند جمله مفید را نیز از دست می‌دهند و به چیزی توجه نمی‌کنند.

این نکته را با توجه به دیده‌ها و شنیده‌ها می‌گویم. حال که دانش‌آموزان در فکر کنکورند و مجبورند که به کنکور فکر کنند، ما هم باید در این جهت از فرصت استفاده کنیم. لذا ما در مدارس کار دانش بیشتر روی اخلاقیات کار می‌کنیم. زیرا در این مدارس گرفتار کنکور نیستند. به نظرم دبیران محترم نباید خیلی به نکات حساسیت‌برانگیز بپردازند. یا روی تعصبات نامربوط انگشت بگذارند. ما دبیران هم باید به ظرایف کار و نوع تعامل با نوجوانان و جوانان خیلی دقت کنیم. در این صورت در کارمان موفق خواهیم بود.

نیستانی: بحث «اندیشه و تحقیق» در صفحه ۴۵ خیلی طولانی است. باید حذف شود.

• تا چه حد آیات و عنوان‌های کتاب، آن را با نیازهای امروز و فردای دانش‌آموزان هماهنگ می‌کند؟

نیستانی: به نظرم از درس نهم به بعد این کتاب بیشتر مورد توجه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، زیرا ارتباط و تطبیق بیشتری با نیازهای روز دانش‌آموزان دارد. در این قسمت چالش‌هایی را مطرح می‌کند که سبب به هم خوردن طراحی پیامبر(ص) می‌شوند. در درس **امام زمان(عج)** که می‌گوید: جامعه باید آماده شود تا زمینه ظهور حضرت پدید بیاید، به نظر می‌رسد فاصله خاصی بین نیاز دانش‌آموزان با این درس‌ها وجود ندارد. در این درس‌ها، به انواع سؤال‌های دانش‌آموز جواب داده می‌شود؛ به‌ویژه سؤالات همیشگی بچه‌ها درباره «پیوند مقدس». اکثر بچه‌ها به موضوع درک و تفهیم «پیوند مقدس» احساس نیاز می‌کنند. حتی می‌خواهند

ابتدا این درس تدریس شود و بعد به درس‌های دیگر بپردازیم.

رمضانیان: اگر درس «پیوند مقدس» بیشتر هم بشود، مفیدتر است؛ زیرا واقعاً به چنین مطالبی نیاز دارند. به‌ویژه بچه‌هایی که از نظر فرهنگی ضعف دارند، خیلی دنبال این موضوع هستند. برای مثال، وقتی درباره مراسم خواستگاری حرف می‌زدیم و از سؤال‌هایی می‌گفتم که در مراسم مطرح می‌شود، می‌پرسیدند: مگر در مراسم خواستگاری باید سؤال‌های خاصی مطرح کرد؟ خوب نمی‌دانند. بنده در درس‌های مربوط، تمام موارد لازم و سؤال‌ها را بیان می‌کنم و بعد هنگام خواستگار آمدن، طرف مشورتشان قرار می‌گیرم. به‌ویژه که با دانش‌آموزانی سروکار داریم که در مدارس کار دانش‌اند و عموماً از سطح فرهنگی نازل‌تری بهره‌مند هستند و به اطلاعات سالم، مفید و درست نیاز دارند. بنابراین این گروه از بچه‌ها تفاوت‌هایی با دانش‌آموزان مدارس نمونه و تیزهوش دارند.

ایزائلو: اما بچه‌های مدارس نمونه و تیزهوشان همین درس‌های «پیوند مقدس» را نقد می‌کنند و می‌گویند: این‌ها وقت ما را می‌گیرند و نباید باشند. الان وقت فکر کردن به ازدواج نیست، وقت یادگرفتن نکات کنکوری است. خانم، به ما نکته‌های کنکوری بگو!

ولی درسی مثل «عزت‌نفس» بیشتر باشد، خیلی خوب است؛ زیرا بنیه و باور بچه‌ها را تقویت می‌کند.

• اگر شما به‌عنوان نویسنده یا عضو هیئت مؤلفان کتاب باشید، کدام یک از عنوان‌های کتاب را حذف یا چه عنوان‌هایی را اضافه می‌کنید، چرا؟

رمضانیان: من در این نکته متحیر مانده‌ام که چرا کتاب‌های تجربی و انسانی را جدا کرده‌اند؟ آیا دانش‌آموزان رشته تجربی نسبت به دانش‌آموزان رشته علوم انسانی نیاز کمتری به دین و اخلاق دارند؟!

• این سؤال شما را خیلی‌های دیگر هم مطرح کرده‌اند. ما به آقای دکتر اعتصامی به‌عنوان مؤلف این نکته را گفته‌ایم.

رمضانیان: حتماً باید به این مورد رسیدگی و آن را اصلاح کنند. اسم کتاب هم باید عوض شود. در زمان ما اسم کتاب «بینش اسلامی» بود. چرا «دین و زندگی» گذاشته‌اند؟ آیا این دین الان در زندگی دانش‌آموزان ما تأثیر دارد؟

• مؤلفان استدلال می‌کنند، تأثیر دارد و باید داشته باشد! اما شما سکوت نکنید حرف خودتان را بزنید. شما هم استدلال بکنید که نه، ندارد!

رمضانیان: «درس ولایت» برای دانش‌آموز گنگ و

من در این نکته متحیر مانده‌ام که چرا کتاب‌های تجربی و انسانی را جدا کرده‌اند؟ آیا دانش‌آموزان رشته تجربی نسبت به دانش‌آموزان رشته علوم انسانی نیاز کمتری به دین و اخلاق دارند؟!



سخت است. این درس را برای پایه دوازدهم می‌گذاشتند، بهتر بود. به علاوه باید آن را روشن تر تشریح کنند. از کلام **امام علی(ع)** در «**هج البلاغه**» برای تألیف کتاب استفاده می‌کردند که متأسفانه استفاده‌ای از آن نشده است. علت حذف کلام امام علی(ع) را در کتاب درسی نمی‌دانم، در حالی که برای دانش‌آموزان شیرین، جذاب و گویاست.

برزگر: باید به اخلاقیات بیشتر توجه شود، گرچه درس «**عزت‌نفس**» را داریم. باید جوانان را با اخلاق بیشتر آشنا کنیم، زیرا وقتی وارد زندگی اجتماعی و جایی مشغول به کار می‌شوند و پست و سمتی می‌گیرند، خیلی به کارشان می‌آید.

براتی: درس سیاسی کتاب مثل همین درس «**ولایت فقیه**»، گنگ است و به نظر بنده خانم رضانیان درست می‌گویند. بچه‌ها فرق بین مجمع تشخیص مصلحت نظام، دولت و ولایت فقیه را متوجه نمی‌شوند. روش من در کلاس این است که اجازه می‌دهم هر کدام از دانش‌آموزان نظر خود را بگویند. یا روی حرف هم حرف بیاورند. آن وقت وظایف هر یک را تشریح و مرزها را مشخص می‌کنم. لذا در کتاب باید با دقت و وضوح بیشتری جایگاه‌ها، ارتباطها و مرزها را مشخص کنند. **ایزائلو:** جای احکام در کتاب پایه دهم خالی است. دانش‌آموز هنوز با شکایات نماز آشنایی ندارد. نمی‌داند اگر مشکلی در رکعت سوم و چهارم نماز به وجود آمد چه باید بکند.

قبلاً بخش تقلید را داشتیم که خوب بود. زیرا دانش‌آموز با فلسفه این موضوع آشنایی ندارد و می‌پرسد چه نیازی به تقلید داریم، زیرا احساس می‌کند، با آن مقداری که ریاضی و فیزیک را یاد گرفته، عالم به تمام معنی است و به کسی و چیزی از جمله به تقلید در عبادات نیازی ندارد. لذا باید به بخش احکام توجه لازم بشود.

بخش اخلاق در کتاب ضعیف است. چرا بحث‌های توحید و خداشناسی را به سال دوازدهم برده‌اند؟ بهتر است که در همان سال دهم مطرح شوند. ما توحید، نبوت و معاد را به ترتیب داریم، ولی آمدند این ترتیب را به هم زدند و برعکس کردند. بعد از اثبات نبوت و معاد، آخر سر می‌گویند خدا هم هست! البته مؤلفان برای خودشان استدلال دارند که چرا این ترتیب را به هم زده‌اند. می‌گویند به این دلیل که می‌باید خداشناسی، مبحثی فلسفی است، باید در کلاس بالاتر بیاید. در حالی که ابتدا باید در من خودشناسی و خداشناسی تقویت شود. اگر خداشناسی در من تقویت شد و خدا را قبول کردم، می‌پذیرم همین خدا برای من برنامه زندگی ریخته است. **براتی:** مقاله‌ای که خدمت شما داده‌ام، با عنوان «**ساده‌ترین روش ایمان‌سازی در مخاطب**» که منظور از «**ایمان‌سازی**» همان «**ایمان به مبدأ**» است و در آن از ادبیات قرآنی بهره گرفته‌ام. این روش را در میان دانش‌آموزان خودم امتحان کردم، زیرا در سال اول که

الان می‌شود کلاس دهم، بچه‌ها با اصل وجود خداوند مشکل پیدا می‌کنند و خیلی درباره خدا می‌پرسند. قبلاً من سعی می‌کردم، از طریق تشریح نظام علیت پاسخ بدهم، ولی نتیجه لازم را نمی‌گرفتم. با روشی که در این مقاله آورده‌ام، به نتیجه خیلی خوبی رسیدم و به خوبی به پرسش‌ها جواب می‌دهم.

روش من این‌طور است که اجازه می‌دهم هر سؤالی دارند بپرسند، ولی به برخی از پرسش‌ها فوری جواب نمی‌دهم. می‌گویم با توجه به سؤال مهم و عمیق شما، اجازه بدهید سر فرصت پاسخ بدهم؛ زیرا باید درباره آن فکر کنم. در ادامه هم از ادبیات قرآنی استفاده می‌کنم و به خوبی از آن نتیجه می‌گیرم. بچه‌ها همه راضی‌اند. به این دلیل، دانش‌آموزان نیز روش بیان خود را تغییر می‌دهند و با همین زبان صحبت می‌کنند. اما این ادبیات چیست؟

خیلی ساده است، یعنی استفاده از همان روشی است که خداوند در قرآن دارد با انسان‌ها صحبت می‌کند. خدا نمی‌فرماید: برف بارید، باران بارید و گیاه روید. می‌گوید: گیاه را رویاندم، برف را باراندم، ابرها را به حرکت درآوردم و زنده کردم. یعنی به قول **آیت‌الله مصباح یزدی**، قرآن کریم اصرار عجیبی دارد که همه چیز را منوط به مشیت الهی جلوه دهد. خب، ما چرا سعی نمی‌کنیم از این ادبیات استفاده کنیم؟ لذا بنده مجاب شدم که با همین ادبیات در کلاس با دانش‌آموزان صحبت کنم و واقعا هم نتیجه گرفته‌ام. برای مثال، درباره سلول نمی‌گویم که سلول از چه ساخته شده است. یا درباره آب نمی‌گویم: یک مولکول آب، از دو مولکول هیدروژن و یک مولکول اکسیژن ساخته شده است، بلکه می‌گویم: خداوند دو مولکول هیدروژن را در کنار یک مولکول اکسیژن قرار داده و آن را به یک مولکول آب تبدیل کرده است. یا مثلاً پرتقالی سر کلاس می‌برم و نشان می‌دهم و می‌گویم خداوند داخل پرتقال ویتامین ث قرار داده است. نمی‌گویم: پرتقال ویتامین ث دارد. در حقیقت فاعل حقیقی امور را همواره لحاظ می‌کنم و آخر سال می‌بینم که دیگر بچه‌ها سؤالی درباره وجود خداوند ندارند.

می‌خواهم بگویم، اینکه تعمیق ایمان فقط به درس دینی ربط دارد، چنین نیست، بلکه مربوط به تمام درس‌ها مثل شیمی، فیزیک و بقیه درس‌هاست و به درس دینی هم ربط دارد. خوب است ابتدا تعمیق ایمان به این روش صورت بگیرد بعد مباحث فلسفی در سال آخر تشریح شوند.

ایزائلو: کتاب دین و زندگی جهان‌بینی ضعیفی دارد، لذا دانش‌آموز با جهان‌بینی در حد لازم آشنا نمی‌شود. ایدئولوژی (عقیده) هست و درباره تدریس صحبت می‌کنیم که چقدر خوب است، تدریس و تفکر کنند یا دنبال تحقیق بروند، اما متأسفانه به دلیل ضعف در تشریح جهان‌بینی دینی و معنوی در کتاب، دانش‌آموزان

استفاده از روشی که خداوند در قرآن دارد با انسان‌ها صحبت می‌کند. خدا نمی‌فرماید: برف بارید، باران بارید و گیاه روید. می‌گوید: گیاه را رویاندم، برف را باراندم، ابرها را به حرکت در آوردم و زنده کردم. یعنی به قول آیت‌الله مصباح یزدی، قرآن کریم اصرار عجیبی دارد که همه چیز را منوط به مشیت الهی جلوه دهد



مادی گرامی شوند. می گویند دنیا محل مسابقه است و همه ما سعی می کنیم دنبال رفاه و آسایش بیشتر برویم. لذا حتی بین همکاران ما هم درباره معنویت صحبت نمی شود.

● اکنون می رسیم به شیوه ارزشیابی مطرح در مقدمه کتاب. می خواهیم بدانیم این شیوه مناسب است یا نیست. آیا این شیوه را می پسندید؟ اگر نمی پسندید، راهکار خودتان را بیان کنید.

ایزائلو: باز باید به کمبود وقت اشاره کنیم. دانش آموزان فقط ۱۰ تا ۱۲ نفر نیستند تا بشود در دو سه جلسه از همه پرسیم. قرائت آیه را نمی شود از همگان پرسید و بعد طبق آنچه گفته اند نمره بدهیم. این شیوه ارزشیابی با توجه به وقت و تعداد دانش آموزان، جزء جزء قابل اجرا نیست.

برزگر: بنده هم با خانم ایزائلو هم نظریم. این شیوه ارزشیابی را نمی شود اجرا کرد. به نظرم خوب است برای کار گروهی مثل اندیشه و تحقیق، نمره جداگانه ای در نظر بگیرند. زیرا در طول سال شاید فقط یکی یا دو بار بتوان از همه دانش آموزان پرسید. وقت کافی نداریم. به نظرم خوب است قرائت نمره جدا و موارد دیگر نمره جدا داشته باشند.

براتی: بنده هم نتوانسته ام این روش نمره دهی را پیاده کنم. لذا امتحان پایانی می گیرم تا بچه ها نمره داشته باشند.

رمضانیان: ببخشید، اگر دبیران ما دنبال حاشیه نروند، وقت آنچنان که می گویند، کم نیست. من عاشق همکاران خودم هستم. من با بچه های مدرسه صحبت می کنم. از صحبت ها متوجه می شوم، همکاران خیلی حاشیه روی دارند. به چیزهایی می پردازند که اصلاً لازم نیست و ضرورت ندارد که در کلاس گفته شود. باید لب مطلب را روشن بیان کنند.

● یعنی می فرمایید باید مدیریت زمان داشته باشیم.

رمضانیان: احسنت! مدیریت زمان اصل است. البته اضافه کنم که زمان کلاس نسبت به قبل کمتر است و بدان معترف و واقفم، ولی حال که زمان کم است و از کمی زمان اطلاع داریم، باید این زمان کم را مدیریت کنیم. مدیریت بحران همین است که ما گرفتار آنیم؛ «بحران کمی وقت!» خب باید مدیریت کنیم.

● درست است. اگر ما در کلاس ضعیف باشیم، بچه ها ما را به طرف دلخواه خود می کشند. بنده به عنوان دبیر همکار شما این حرف را می زنم. البته کار راحتی نیست، زیرا معلمان از

یک سطح اطلاعات عمومی و دینی برخوردار نیستند. مشکلات خاص خود را هم دارند. بچه ها هم رندی های خاص خود را دارند. بنابراین مدیریت زمان برای همکاری راحت تر است که از اشراف کافی نسبت به موضوع و محتوای کتاب و همین طور مسائل و وقایع پیرامونی و دغدغه های ذهنی دانش آموزان برخوردار باشند. سرکار خانم رضانیان! ما درباره مدیریت زمان حق را به شما می دهیم، ولی باید هم صدا با همکاران دیگر گفت: کار راحتی نیست و سخت است.

براتی: درس را می دهیم، ولی ارزشیابی از بچه ها فقط با مدیریت زمان میسر است. یعنی هر کس به شیوه خودش این کار را می کند.

● درست است، کار سختی است، به ویژه بچه ها تمام مسائل و ذهنیات خود را در کلاس دینی مطرح می کنند. در کلاس مثلاً فیزیک این کار را نمی کنند. البته گرچه تنگنای وقت ایجاد می کنند، ولی فرصتی هم برای معلم دینی به وجود می آورند که با آنان ارتباط برقرار کند و همدل و همراز آنان بشود. در حقیقت معلم دینی را به جای همه مدیران و مسئولان اجرایی کشور قرار می دهند تا به پرسش های آنان پاسخ بدهند!

ایزائلو: ما معلمان دینی از نظر بچه ها نماینده همه نهادهای کشوریم!

بسطامی: به نظر من یک دلیلش این است که مؤلفان به کتاب دینی ما در مقایسه با کتاب های درسی دیگر، صبغه سیاسی داده اند؛ در حالی که نباید این طور باشد. این هم یک درس مثل درس های دیگر است. ما اوایل انقلاب، درس دینی داشتیم که اصلاً این حرف ها در آن نبود. بچه ها معلم دینی را دوست داشتند و به کتاب دینی هم به عنوان یک درسی، مثل دیگر درس ها نگاه می کردند. اما اکنون چنین نگرشی وجود دارد و به این درس لطمه می زند. متأسفانه تا

مدیریت زمان اصل است البته اضافه کنم که زمان کلاس نسبت به قبل کمتر است و بدان معترف و واقفم، ولی حال که زمان کم است و از کمی زمان اطلاع داریم، باید این زمان کم را مدیریت کنیم.

مدیریت بحران همین است که ما گرفتار آنیم؛ «بحران کمی وقت!» خب باید مدیریت کنیم



حدی به نوع نگاه موجود در مدارس هم مربوط می‌شود. زیرا تمام کاسه کوزه‌های برنامه‌ها را روی درس دین و زندگی می‌شکنند و مدیران، برنامه‌های جانبی خویش را براساس اسقاط این درس تنظیم می‌کنند.

درباره تأثیر کنکور و روش سؤال‌های کنکور از این درس هر نظری دارید، بفرمایید.

ایزائلو: قبلاً در ابتدای کتاب نوشته بودند که حفظ آیات الزامی نیست. اما سؤال‌های کنکور می‌گوید که دانش‌آموز باید آیات را حفظ کند. به این صورت که آخر آیه را می‌آورد و اول آیه را باید بنویسند یا به عکس. اگر مبنای سؤالات کنکور مفهومی باشد و از حالت حفظ آیه خارج شود، بهتر است. از ۲۵ سؤال کنکور، ۱۷ سؤال مربوط به آیات است. دانش‌آموزان مجبورند آیات را حفظ کنند. خوب است تعداد سؤال از آیات را کمتر بکنند.

براتی: من سعی می‌کنم آیات را کلیدواژه‌های بکنم و حتی اگر لازم باشد، معنی را هم می‌گویم. لذا اگر سؤالات مفهومی باشند، کلیدواژه‌ها کار را راحت می‌کنند.

رضانیان: سؤالات دینی کنکور خیلی سخت است. قوی‌ترین دانش‌آموزان درس دینی هم در پاسخ به آن‌ها در می‌مانند. شاید برخی از دبیران هم نتوانند به آن‌ها پاسخ بدهند. نمی‌دانم چرا طراحان سؤال کنکور دوست دارند دانش‌آموزان را بیچانند. بهترین سؤال‌های کنکور درس دینی را سؤال‌هایی می‌دانم که آیه را آورده و بعد شعرهایی را قرار داده و توانسته‌اند که بگویند آیه با کدام شعر تطبیق می‌کند. این نوع سؤال‌ها خیلی قشنگ‌اند. زیرا بین آیات قرآنی با ادبیات ارتباط برقرار می‌کنند. این کار خوب است. بنده به‌عنوان دبیر احساس می‌کنم، دانش‌آموزان هم از چنین سؤال‌هایی راضی‌اند. **ایزائلو:** گاهی هم در سؤالات از لغات سخت استفاده می‌کنند که دانش‌آموز باید فرهنگ‌لغت به همراه ببرد و پس از دیدن معنای لغات، برود ببیند می‌تواند به سؤال جواب بدهد یا خیر! این کار درستی نیست. به‌عنوان نمونه بگویم، یک بار همکاری سؤال‌های دینی کنکور را آورده بود و یکی از دبیران باتجربه و دبیر دیگری نشستند به سؤال‌ها پاسخ بدهند. اما نتوانستند به برخی از سؤال‌ها پاسخ قطعی بدهند. زیرا مشابهت خیلی زیاد است و این یعنی بیچاندن دانش‌آموزان که کار درستی نیست.

• درباره جاذبه‌های بصری و گرافیک کتاب از طراحی جلد، رنگ‌ها، اندازه حروف، فاصله سطور، جدول‌ها، نقاشی‌ها و... هر نظری دارید بفرمایید. به‌ویژه دختران باید دقت بیشتر به این موارد و زیبایی‌شناسی و کار هنری داشته

باشند، به همین دلیل هم رتبه‌های اول و بالای کنکورها را هر سال دختران کسب می‌کنند.

بسطامی: کارهای گرافیکی در این کتاب نسبت به کتاب‌های قبلی کمتر شده است. باید کتاب را زیباتر و آراسته‌تر کنند. البته قسمت «بیشتر بدانیم»‌ها را آبی یا قسمت‌های دیگر را سبز کرده‌اند که این کار هم با هدف تفکیک صورت گرفته است. اگر از نقاشی یا طرح و عکس هم استفاده می‌کردند، به کتاب جلوه می‌بخشیدند.

برزگر: اسم‌های جلاله خداوند در آیات قرآنی با رنگ مشخص بیایند.

ایزائلو: نگذاشتن برخی از علائم روی حروف آیات، دانش‌آموزان را با مشکل قرائت مواجه می‌کند.

بسطامی: ابتدای تمام درس‌ها را نقطه‌چین کرده‌اند، نمی‌دانم چرا؟ حامل هیچ معنی و مفهومی نیست.

ایزائلو: اگر در ابتدای هر درس یک بیت شعر متناسب با موضوع درس بیآورند، نظرها بچه‌ها را به خود جلب می‌کند.

• درباره نگارش نظری ندارید؟ جایی هست که ابهام یا نارسایی وجود داشته باشد؟

بسطامی: این سال‌ها با توجه به بازنگری‌ها، خیلی از مشکلات نگارشی رفع شده‌اند. اما در کتاب رشته علوم انسانی، در صفحه ۱۳۹ درس دوازدهم آمده است: «حضرت مهدی (عج) دوازدهمین امام ما در سپیده...». یکی از دانش‌آموزان اهل سنت بنده آمد و به من گفت: چرا نوشته‌اند «امام ما» و آن را منحصر به شیعه کرده‌اند؟ مگر امام ما مسلمان‌ها و اهل سنت هم نیست؟ این دانش‌آموز می‌گفت: من حضرت مهدی را دوست دارم. خب این‌ها ظرایف کار است که باید دقت شود. البته این مورد را به دفتر تألیف گفتم که یک واژه «ما» موجب چنین ابهامی می‌شود. کافی است باشد: «دوازدهمین امام».

از طرف دیگر، کتاب تجربی ۱۸۴ صفحه دارد و کتاب انسانی ۲۱۶ صفحه.

• خب! این از موارد هر چه دل تنگت می‌خواهد بگوست.

بسطامی: اختلاف فقط ۳۲ صفحه است، ولی ساعت کلاس تجربی دو ساعت و برای انسانی چهار ساعت است. کار درستی نیست.

(همه متفق‌القول می‌گویند باید کتاب‌های تجربی و انسانی را یکی کنند.)

• متشکریم و موفق باشید.

کارهای گرافیکی در این کتاب نسبت به کتاب‌های قبلی کمتر شده است. باید کتاب را زیباتر و آراسته‌تر کنند. البته قسمت «بیشتر بدانیم»‌ها را آبی یا قسمت‌های دیگر را سبز کرده‌اند که این کار هم با هدف تفکیک صورت گرفته است. اگر از نقاشی یا طرح و عکس هم استفاده می‌کردند، به کتاب جلوه می‌بخشیدند